



سیدعلی حسینی*

چالش رگولاتوری رسانه‌های تعاملی در ایران

با افزایش پهنای باند اینترنتی در ایران و ارتقای اپراتورهای تلفن همراه به نسل ۳ و ۴، سرانه دسترسی به اینترنت پرسرعت در سال‌های اخیر، رشد قابل ملاحظه‌ای داشته‌است. با فراهم آمدن زیرساخت‌های ارتباطی، سرویس‌های جدید ارائه محتوای رسانه‌ای نیز در قالب VOD (video on demand) با سرمایه‌گذاری بخش خصوصی، مورد توجه بسیاری از مردم قرار گرفت. VOD ها که در ایران از آنها با عنوان «رسانه‌های تعاملی» یاد می‌کنند، به ارائه منظم محتوای صوتی و تصویری در بستر فضای مجازی مبادرت می‌کنند؛بنابراین خدمات پلتفرم‌های ارائه ویدئوهای اینترنتی در کشور در حوزه رسانه جای می‌گیرد. به دلیل مزایای بسیاری که رسانه‌های تعاملی در مقایسه با مدل ارائه سنتی برودکست دارند، از نظر بسیاری از اندیشمندان، آینده رسانه از آن مدل‌هایی همچون IPTV و VOD است. لذا با روند رو به توسعه VOD ها که تأمین بخشی از خدمات رسانه‌ای را در کشور ایفا می‌کنند، باید دید که وظیفه نظارت و تنظیم فعالیت آنها چگونه خواهد بود.

مطابق اصل ۱۷۵ قانون اساسی سازمان صداوسیما مسئولیت امر رسانه را برعهده دارد و بر اساس اصل ۴۴ قانون اساسی رادیو و تلویزیون در کشور برعهده بخش دولتی است. به‌موجب بند دوم نظریه تفسیری شماره ۱۹۷۹/۷۲/۷۹ شورای نگهبان در خصوص اصل ۴۴ قانون اساسی و امکان تأسیس شبکه‌های خصوصی رادیو و تلویزیون، شورای نگهبان بیان می‌کند: «مطابق نص صریح اصل ۴۴ قانون اساسی در نظام جمهوری اسلامی ایران رادیو و تلویزیون دولتی است و تأسیس و راهاندازی شبکه‌های خصوصی رادیویی و تلویزیونی به هر نحو، مغایر این اصل می‌باشد. بدین جهت انتشار و پخش برنامه‌های صوتی و تصویری از طریق سیستم‌های فنی قابل انتشار فراگیر (همانند ماهواره، فرستنده، فیبر نوری و غیره) برای مردم در قالب امواج رادیویی و کالبی وی، و کلیه تحت حاکم صداوسیما جمهوری اسلامی ایران خلاف اصل مذکور است». بر مبنای این نظریه تفسیری که اطلاق و عموم آن همه انواع و قالب‌های ارائه خدمات رسانه‌ای را صرف‌نظر از مصادیق آن دربر می‌گیرد، نهاد مفسر قانون اساسی هر نوع راه‌اندازی رسانه خصوصی را مغایر باقانون می‌داند. ۷ اساننامه سازمان صداوسیما مصوب ۱۳۶۲ نیز مقرر می‌کند: «تأسیس فرستنده و پخش برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی در هر نقطه کشور در انحصار این سازمان بوده و چنانچه اشخاص حقیقی یا حقوقی اقدام به تأسیس یا بهره‌برداری از چنین رسانه‌هایی کنند؛از ادامه کار آنان جلوگیری و به عمل آمده و تحت تعقیب قانونی قرار خواهند گرفت». در مورد این ماده نیز نکته مذکور درباره نظریه تفسیری حاکم است.نظر به اینکه در زمان صدور تصویب این اسناد حقوقی، رسانه‌ای غیر از رادیو و تلویزیون که به‌صورت منظم به ارائه محتوای صوتی و تصویری بر بپردازد، وجود نداشت از اطلاق اسناد فوق‌الذکر، شمول تمام قالب‌های پخش محتوای رسانه‌ای را می‌توان برداشت کرد. بنابراین در نظام حقوقی ایران، اداره رسانه- که قبلاً منحصراً در رادیو و تلویزیون بوده‌است و اخیراً با ظهور رسانه‌های تعاملی، رسانه‌های کاربرمحور و تلویزیون‌های اینترنتی قالب‌های رسانه در حال تغییر است- صلاحیت‌اتی را سازمان صداوسیما می‌دهد. بر همین اساس رسانه‌هایی که توسط شرکت‌های خصوصی اداره می‌شوند،باید برای شروع فعالیت و ارائه خدمات در این حوزه،مجوز سازمان صداوسیما را اخذ کنند.نظر مقام معظم رهبری (مدظله)نیز در این موضوع همسو با نظام حقوقی ایران است.ایشان در تاریخ ۱۳۹۶/۲/۲۲ در بخشی از یک نامه بیان کردند: «مسئولیت صدور مجوز و تنظیم مقررات صوت و تصویر فراگیر در فضای مجازی منحصراً بر عهده سازمان صداوسیما است». نهایتاً سازمان صداوسیما نیز برای رگولاتوری فعالان حوزه صوت و تصویر فراگیر، در سال ۱۳۹۴ سازمانی را تحت عنوان «سازمان تنظیم مقررات صوت و تصویر فراگیر فضای مجازی» تأسیس کرد. این سازمان به ارائه مجوز به فعالان حوزه رسانه‌های تعاملی و همچنین نظارت بر فعالیت آنان می‌پردازد. بااین‌طور نظر گرفتن ملاحظاتی فوق در نظام حقوقی ایران، در خصوص رگولاتوری رسانه‌های تعاملی در کشور، باید نکات زیر را به‌اختصار خاطر نشان کرد:

۱- صلاحیت رگولاتوری وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات در رابطه با رسانه‌های تعاملی به‌هیچ‌جه‌ناظر بر محتوایندوده و صرفاً در حیطه امر فنی و زیرساخت‌های لازم برای تأمین فرکانس، تنظیم رولایت ارائه‌دهندگان خدمات اینترنتی (ISP)، مدیریت فعالیت تعاملی، اپراتورهای تلفن همراه و به‌طور کلی همه زیرساخت‌های فنی لازم در ارتباط با صوت و تصویر فراگیر است (ماده ۶ اساننامه سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی مصوب ۱۳۸۲). همچنین هرگونه دخالت وزارت مذکور خارج از موارد مذکور بر اساس ماده ۱۴ مغایر با صلاحیت‌های سازمان صداوسیما بوده و غیر قانونی خواهد بود.

۲- علیرغم اینکه بر اساس اسناد بالادستی وقوانین ومقرات کشور، رگولاتوری رسانه‌های اینترنتی جدید بر عهده سازمان صداوسیما است، لیکن لازم است اساننامه این سازمان به‌عنوان یکنهاد مستقل حاکمیتی مشتمل بر ساختار، وظایف و اختیارات دقیق آن به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد. ۳- با توجه به اینکه اخیراً در مورد مصادیق «صوت و تصویر فراگیر» اختلاف‌نظرهای زیادی وجود آمده، شورای عالی فضای مجازی به‌عنوان بالاترین نهاد تخصصی و سیاستگذاری در امر فضای مجازی در کشور، باید تعریف دقیقی از این اصطلاح ارائه دهد تا اختلافات مذکور خاتمه یابد.

*پژوهشگر حقوق سایبری

داشته‌ها

کدام تخلفات موجب توقیف خودرو می‌شود؟

قانونگذار می‌تواند در صورت بروز برخی تخلفات، خودرو و موتورسیکلت فرد خاطی را توقیف کند. قانونگذار در قوانین خود به صورت شفاف درباره مواردی که منجر به توقیف خودرو می‌شود صحبت کرده‌ است. هرگاه بر اثر تصادف که منجر به جراحت یا فوت یک نفر شود و برای پلیس مشخص شود که علت تصادف وسیله نقلیه بوده قانونگذار خودرو را به پارکینگ منتقل می‌ کند، همچنین اگر جرمه یا خلافی خودرو به یک میلیون تومان یا بیشتر از آن برسد قانونگذار خودروی فرد خاطی را توقیف می‌ کند. یکی از عوامل دیگری که سبب توقیف وسیله نقلیه می‌ شود همراه نداشتن مدارک اصلی خودرو است، علاوه بر آن رانندگی بدون گواهینامه هم منجر به توقیف خودرو و انتقال آن به پارکینگ می‌ شود. اما گاهی اوقات انجام دو توفیق همزمان و مار پیچ کند وسیله نقلیه او توقیف خواهد شد. در پیاده‌رو و در جهت مخالف مسیر مجاز حرکت کند و با موتور خود اقدام به انجام حرکات نمایشی و مار پیچ کند وسیله نقلیه او توقیف خواهد شد. علاوه بر آن ایجاد صدای ناهنجار، حمل بار غیر متعارف و تردد در خطوط ویژه اتوبوسرانی با موتورسیکلت نه تنها سبب توقیف وسیله نقلیه می‌ شود، بلکه ممکن است منجر به توقیف گواهینامه هم شود.

ماده ۱۸۷ قانون بر نامه سوم

توسعه در رابطه با ثبت مؤسسات حقوقی به صراحت ذکر کرده است که مؤسسات حقوقی باید از قوه قضائیه مجوز دریافت کنند و دستگاه قضا این کار را به هر مرکز و کلاسپرده بود اما متأسفانه طی این سال‌ها عده‌ای از این‌ماده قانونی برداشت اشتباه داشتند و ادعا می‌کردند این ماده قانونی موقتی بوده و لازم‌الاتباع نیست

فارغ التحصیلان رشته حقوق در چارچوب مقررات و بدون تجاوز به حوزه فعالیت و کلای دادگستری فراهم خواهد شد و مشکل بی‌سامانی مؤسسات رفع می‌شود.

از نگاه وی با اجرای این رأی دیوان عدالت اداری موجب می‌شود وضعیت اشتغال و کلانیز بهتر شود.

■ پیگیری عطف به ما سبق شدن رأی دیوان

قانون عطف به ما سبق نمی‌شود؛ بر این اساس تکلیف مؤسسات حقوقی که پیش از این بدون مجوز رسمی تأسیس شده‌اند و فعالیت می‌کنند چه خواهد شد؟

رئیس مرکز وکلای کارشناسان رسمی و مشاوران خانواده قوه قضائیه در پاسخ به این سؤال می‌گوید: «زمانی که مؤسسات حقوقی فاقد مجوز باشند دست به هر گونه تخلفی می‌زنند و این تخلفات به نام سوء قضائیه و کلا ثبت می‌شود. به همین خاطر هم باید نسبت به نظارت بر روی مؤسساتی که تا امروز ثبت شده‌اند اما فاقد مجوز و کالت هستند راهکار قانونی پیدا کنیم و ما قصد داریم از دیوان عدالت اداری درخواست کنیم که رأی خودی را از زمان صدور بخشنامه سازمان ثبت اسناد و املاک کشور عطف به ماسبق کند.»

■ استقبال کانون وکلایا سر و سامان گرفتن مؤسسات حقوقی

اما این به سامان شدن وضعیت مؤسسات حقوقی و تعیین تکلیف آنها حتی از سوی کانون وکلای دادگستری هم مورد استقبال قرار گرفته‌ است، به طوری که عیسی امینی رئیس کانون وکلای دادگستری در مرکز در صفحه اینستاگرام خود از توفیق ثبت مؤسسات حقوقی به یک نهاد حقوقی حمایت کرده‌ است.



و مؤسساتی هم که در گذشته ثبت شده‌اند باید به هر مرکز وکلایا جاع داده شوند تا در مورد آنها تصمیم‌گیری شود.

■ پیگیری تخلفات تا مرحله ابطال پروانه وکالت

بهادری جهرمی درباره شیوه نظارت بر فعالیت مؤسسات حقوقی هم این‌گونه توضیح می‌دهد: «هر مرکز وکلای دادگستری دارای داستان و دادیار انتظامی و محاکم انتظامی بدوی و تجدید نظر است و

اگر کوچک‌ترین تخلفی از سوی مؤسسات حقوقی به ما اعلام شود آن را پیگیری می‌کنیم و حتی تا مرحله ابطال پروانه وکالت افراد هم اقدام می‌کنیم.»

آن‌طور که رئیس مرکز وکلای کارشناسان رسمی و مشاوران خانواده قوه قضائیه توضیح می‌دهد با رأی اخیر دیوان عدالت ناظر بر سایر حقوقی روشن شده‌ است. بر این اساس می‌توان در راستای انجام تکلیف قانونی در مرکز امور وکلا و کلا ثبت می‌شود. به همین خاطر هم باید نسبت به نظارت بر روی مؤسساتی که تا امروز ثبت شده‌اند اما فاقد مجوز و کالت هستند راهکار قانونی پیدا کنیم و ما قصد داریم از دیوان عدالت اداری درخواست کنیم که رأی خودی را از زمان صدور بخشنامه سازمان ثبت اسناد و املاک کشور عطف به ماسبق کند.»

■ استقبال کانون وکلایا سر و سامان گرفتن مؤسسات حقوقی

اما این به سامان شدن وضعیت مؤسسات حقوقی و تعیین تکلیف آنها حتی از سوی کانون وکلای دادگستری هم مورد استقبال قرار گرفته‌ است، به طوری که عیسی امینی رئیس کانون وکلای دادگستری در مرکز در صفحه اینستاگرام خود از توفیق ثبت مؤسسات حقوقی به یک نهاد حقوقی حمایت کرده‌ است.

حقوقی توسط افراد فاقد پروانه وکالت را بگیریم.»

بنا به تأکید وی مرکز وکلای قوه قضائیه با استدلال به همین ماده ۱۸۷ قانون برنامه سوم

توسعه به سراغ دیوان عدالت اداری می‌رود و دیوان عدالت اداری استدلال مرکز وکلایا را این‌ماده برنامه سوم توسعه می‌پذیرد و در نهایت اعلام می‌کند اگر فردی غیر از وکلا قصد تأسیس مؤسسات حقوقی را دارد باید از هر مرکز وکلا مجوز دریافت کند.

■ مجوز تأسیس مؤسسه حقوقی فقط افراد دارای پروانه وکالت

رئیس مرکز وکلا، کارشناسان رسمی و مشاوران خانواده قوه قضائیه تأکید می‌کند: «بر این اساس مرکز وکلانیز برای هیچ فرد فاقد پروانه وکالت مجوز تأسیس مؤسسه حقوقی صادر نکرده و نمی‌کند و با این رأی دیوان عدالت اداری ثبت مؤسسات حقوقی به صراحت ذکر کرده‌ است که

مؤسسات حقوقی باید از قوه قضائیه مجوز دریافت کنند و دستگاه قضا این کار را به مرکز وکلا سپرده

بود اما متأسفانه طی این سال‌ها عده‌ای از این‌ماده قانونی برداشت اشتباه داشتند و ادعا می‌کردند این ماده قانونی موقتی بوده و لازم‌الاتباع نیست.

بهادری جهرمی تصریح می‌کند: «همین برداشت اشتباه از قانون باعث شده بود توانیم جلوی ثبت مؤسسات

مقررات و بر اساس ماده ۱۸۷ قانون برنامه سوم توسعه، مرکز وکلای قوه قضائیه متولی اصلی ثبت و ساماندهی مؤسسات حقوقی شد. بنابراین متولی مؤسسات حقوقی روشن شده‌ است.»

بنا به تأکید وی یکی از مشکلاتی که در نظام ارائه خدمات حقوقی و قضایی وجود داشت بحث ثبت مؤسسات حقوقی بود که متأسفانه هیچ وکیل و شخص دارای پروانه وکالت در هیئت مدیره این مؤسسات وجود نداشت و یک عده بدون اینکه تحصیلات خاصی داشته باشند، اقدام به ثبت مؤسسات حقوقی می‌کردند که این کار شایعینی که به صورت قانونی در این حوزه وجود ندارد و دو حق پیرامونی است. حق هسته‌ای می‌شد هیچ محدودیتی برای ثبت مؤسسات حقوقی وجود ندارد. این در حالی است که ماده ۱۸۷ قانون برنامه سوم توسعه در رابطه با ثبت مؤسسات حقوقی به صراحت ذکر کرده‌ است که

مؤسسات حقوقی باید از قوه قضائیه مجوز دریافت کنند و دستگاه قضا این کار را به مرکز وکلا سپرده بود اما متأسفانه طی این سال‌ها عده‌ای از این‌ماده قانونی برداشت اشتباه داشتند و ادعا می‌کردند این ماده قانونی موقتی بوده و لازم‌الاتباع نیست. بهادری جهرمی تصریح می‌کند: «همین برداشت اشتباه از قانون باعث شده بود توانیم جلوی ثبت مؤسسات

شاید شما هم گذر تان به مؤسسات حقوقی افتاده باشد؛ مؤسساتی که برخی از آنها بدون هیچ‌گونه مجوزی فعالیت داشتند و همین فعالیت بدون مجوز این مؤسسات را از هر گونه قید نظارتی رها می‌ساخت. فقدان نظارت بر عملکرد این مؤسسات اما مراجعه‌کنندگان به این مؤسسات را هم به چالش می‌انداخت.

افرادی که به امید دریافت خدمات حقوقی به این مؤسسات مراجعه می‌کردند اما گاهی وقت‌ها، کارشناسان حقوقی فاقد مجوز و پروانه وکالت شاغل در این مؤسسات و مهیه قانونی لازم برای انجام کارهای حقوقی مراجعه‌کنندگان را ندارند و در نهایت افرادی که برای رفع مشکل حقوقی شان به این مؤسسات مراجعه می‌کردند اغلب اوقات با وجود پرداخت هزینه‌های مشاوره حقوقی در عمل چیزی عایدشان نمی‌شد.

از این به بعد اما با رأی دیوان عدالت اداری مرکز وکلای قوه قضائیه متولی ثبت و نظارت بر عملکرد مؤسسات حقوقی شد تا بر عملکرد این مؤسسات نظارت صورت گیرد.

فقدان نظارت به دلیل نبود مجوز یکی از مشکلات قدیمی مؤسسات حقوقی بود. طبق ماده ۱۸۷ قانون برنامه سوم توسعه به منظور اعمال حمایت‌های لازم حقوقی و تسهیل دسترسی

مردم به خدمات قضایی حفظ حقوق عامه، به قوه قضائیه اجازه داده می‌شود تا نسبت به تأیید صلاحیت فارغ التحصیلان رشته حقوق جهت صدور مجوز تأسیس مؤسسات مشاور حقوقی برای آنان اقدام کند.

حضور مشاوران مذکور در محاکم دادگستری و ادارات و سازمان‌های دولتی و غیردولتی برای انجام امور وکالت متقاضیان مجاز خواهد بود. تأیید صلاحیت کارشناسان رسمی دادگستری نیز به طریق فوق امکان‌پذیر است. با وجود این ماده قانونی اما برخی معتقد بودند این ماده قانونی تنها برای همان سال تصویب قابلیت اجرا دارد و دائمی نیست. با رأی اخیر دیوان عدالت اداری اما ضمن رسیب تأیید به ماده ۱۸۷، عطای مجوز به مؤسسات حقوقی برای همیشه به مرکز امور وکلا، کارشناسان رسمی و مشاوران خانواده قوه قضائیه واگذار شد.

■ استناد به یک ماده قانونی

علی بهادری جهرمی رئیس مرکز وکلا، کارشناسان رسمی و مشاوران خانواده قوه قضائیه درباره رأی اخیر دیوان عدالت اداری به خبرگزاری‌ها این‌گونه توضیح می‌دهد: «نحوه ثبت و تأسیس مؤسسات حقوقی، معضلی چندین ساله بود به این صورت که این مؤسسات متولی نداشتند اما با رأی دیوان عدالت اداری، مستند بر

گزارش ۲ امیرعلی دهقانی*

حق دسترسی به اطلاعات و اندیشه‌ها یکی از حق‌های بنیادی بشری است که ریشه در حق گسترده‌تر آزادی بیان دارد. آزادی بیان در همه اسناد بین‌المللی عام حقوق بشر، حتی مرکب از یک حق هسته‌ای و دو حق پیرامونی است. حق هسته‌ای در آزادی بیان همان حق بیان، انتقال و انتشار اندیشه‌ها و اطلاعات است و حق‌های پیرامونی آن را حق جست‌وجو و حق دریافت اطلاعات و اندیشه‌ها تشکیل می‌دهند. این حق‌ها پیوند آشکاری با هم دارند: انتشار اطلاعات و اندیشه‌ها (حق هسته‌ای) زمانی معنایی واقعی می‌یابد که افراد در جست‌وجوی اطلاعات و اندیشه‌ها آزاد باشند، یافتن و دریافت اطلاعات و اندیشه‌ها برای شکل دادن به نظر و اندیشه و بیان آن ضروری است. فردی که مایل است در موضوعی اظهار نظر کند، باید بتواند اطلاعات و اندیشه‌هایی را که در اختیار دیگران است و مایل به انتقال آن هستند دریافت کند تا بتواند به شکلی آگاهانه دیدگاه و نظر خود را بیان کند. از سوی دیگر، بیان اندیشه و انتقال اطلاعات رابطه‌ای دوسویه است که یک‌سوی آن انتقال دهنده و سوی دیگر آن دریافت‌کننده است. وجود چنین رابطه‌ای به پیدایش و گسترش مفاهیمی چون آزادی اطلاعات، حق دسترسی به اطلاعات یا حق بر اطلاعات کمک کرده‌ است. این‌رو اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸) در ماده ۱۹ خود مقرر می‌دارد «هر کس حق آزادی عقیده و بیان دارد و این حق مستلزم آن است که از داشتن عقیده بیم نداشته باشد و در دریافت و انتشار اطلاعات و افکار، به تمام وسایل ممکن، بدون ملاحظات آزاد باشد.» اگر در اینستاگرام حساب کاربری داشته باشید، احتمالاً می‌دانید که اینستاگرام در چند روز گذشته بسیاری از پست‌هایی را که مربوط به شهادت سیدهد حاج‌قاسم سلیمانی بوده است، حذف می‌کند. این شبکه اجتماعی با بالا گرفتن اعتراض کاربران ایرانی نه تنها از این اقدامش دست نکشیده که سانسور را با شدت بیشتری اعمال می‌کند و تا حالا صدها صفحه اینستاگرام را به کلی مسدود کرده است. همین موضوع موجب از انتقاد و سؤال در فضای مجازی علیه اینستاگرام به وجود آورده است؛ سؤال‌هایی از این جنس که چطور باید با این رفتار مقابله به مثل کرد و اساساً چرا دست ما باید زیر سنگ اینستاگرام باشد.

حقوق بشر و آزادی بیان امریکایی‌ها برآمدها متناحش را پس داده است. امریکایی‌ها زمانی به جریان آزاد اطلاعات باور دارند که این جریان اطلاعات بتواند مطامع آنها را تأمین کند و آنها را به اهدافشان برساند. در غیر این صورت ساختار امریکایی به هر بهانه‌ای متوسل می‌شود تا مانع جریان یافتن اطلاعاتی شود که بیان‌شان موجب بیداری انسان‌ها می‌شود و جنایات این رژیم را



پاسخی نخواهد داشت جز «فیلترینگ» و «سانسور».

شبکه اجتماعی اینستاگرام اوایل امسال هم سرسپردگی خود به نظام سلطه و آمریکا را با حذف صفحات مرتبط با سرداران سپاه نشان داده بود؛ اقدامی که شاید اگر همان زمان با واکنش مناسبی از سوی مسئولان حوزه ارتباطات و فناوری اطلاعات کشور مواجه می‌شد، امروز کار به جایی نمی‌رسید که پس از ترور و حذف فیزیکی شهید سیدهد سلیمانی، پست‌های مرتبط با وی از صفحات افراد دارای فالور بالا حذف شود و در صورت تکرار پست، اینستاگرام اکانت آنها را پاک کند. در برابر این اقدام اینستاگرام مسئولان حوزه فضای مجازی کشور و در رأس آنها،

امریکایی‌ها با نفوذ دادن سرویس‌های مجازی خود در داخل کشورها در حال نقض حکمرانی آنان در داخل مرزهای خودشان هستند، امریکایی‌ها روی محتوا، سرویس‌ها و خدمات‌شان رگولاتوری خودشان را اعمال می‌کنند و به همین دلیل به راحتی اکانت‌ها و صفحات ارزشی، انقلابی را در این فضا حذف می‌کنند